روایت مرد ورزشکار از ناک اوت کردن دزدان

چند هفته پیش فیلمی از یک دوربین مداربسته در فردیس کرج در فضای مجازی داغ شد که در آن دو سارق موتور سوار سعی می‌کردند ضبط یک خودروی ۲۰۶ را سرقت کنند. این اتفاق در حالی رخ داد که یکی از اهالی به نام پرویز اسدنژاد که حالا به فردین معروف شده، شاهد این سرقت بود و به محض اطلاع به سمت آنها رفت و با وجود زخمی شدن در اثر اصابت ضربه چاقو، موفق شد سارقان را زمینگیر کند. سارقان دستگیر شده و به جرم خود اعتراف کردند. جام‌جم گفت‌وگویی با او انجام داده است که در ادامه می‌خوانید.





مردم حالا به شما لقب فردین ایران را داده‌اند. چه حسی دارید؟

من کار خاصی نکرده‌ام و اگر باز هم در این موقعیت قرار بگیرم، دوباره آن را انجام می‌دهم.

درگیر شدن با دو سارقی که ممکن است مرتکب هر جرمی شوند، کار ساده‌ای نیست. چطور روز حادثه این کار را انجام دادید؟

۳۰ مهرماه حوالی سه بعداز ظهر بود و می‌خواستم به باشگاه بروم که متوجه حضور یک موتور آپاچی با دو سرنشین در کوچه شدم. من عادت دارم به محیط اطرافم توجه کنم و برای همین وقتی حرکات آن دو نفر را زیر نظر گرفتم، شک کردم. دیدم یکی از آنها با پایش در حال خم کردن کلاف یک خودروی ۲۰۶ پارک شده در کوچه بود. وقتی این حرکت را دیدم مطمئن شدم که آنها سارق هستند. سوار ماشین شدم. آنها سوار بر موتور در پیاده‌رو بودند که من به سمت‌شان پیچیدم و طوری آنها را روی زمین انداختم که صدمه نبینند. یکی از آنها سوار ماشین من شد و همراهش با چاقو به من حمله کرد. او می‌خواست ماشین را حرکت بدهد که یقه‌اش را گرفتم. به خاطر درگیری که با هم داشتیم، پایش مدام از کلاچ بلند می‌شد و ماشین تکان می‌خورد. یک لحظه که پایش را رها کردم، ماشین روشن شد و حرکت کرد. همراهش کمی دویدم و سرعت ماشین هم زیادتر شد. در همین هنگام یکدفعه احساس سوزش در کمرم کردم که باعث شد تعادلم به هم خورد. او با چاقو به کمرم ضربه زده بود. یک وانت آنجا بود و برای همین فرمان را به سمت چپ چرخاندم که با وانت برخورد کرد. این کار را کردم تا بیشتر از آن به من چاقو نزند. خوب می‌دانستم اگر یک چاقوی دیگر هم بزند، دیگر دوام نمی‌آورم.

بعد چه اتفاقی افتاد؟

در لحظات آخر درگیری‌مان بود که من سوئیچ را چرخاندم و خوشبختانه کار درستی هم انجام دادم. به محض کشیدن سوئیچ ماشین خاموش شد و پس از آن متوجه شدند که دیگر نمی‌توانند کاری انجام دهند.

راننده پیاده شد، آن یکی هم پیاده شد. آنها موتورشان را همراه با کیسه‌ای در محل جاگذاشتند و بعد هم به سرعت فرار کردند.

از دستگیری سارقان بگویید.

درخانه مادربزرگ‌شان در چهارباغ پنهان شده بودند. از پلیس با برادرم تماس گرفتند و گفتند اگر در لحظه دستگیری سارقان می‌خواهید حضور داشته باشید، بیایید. واقعا لذت بردم. هشت روز طول کشید تا سارقان دستگیر شوند. گویا قرار بود پس از سرقت به کشور ترکیه بروند.

مردم چه واکنشی نسبت به کاری که انجام دادی داشتند؟

مردم خیلی بیشتر از آنچه که تصور می‌کردم به من لطف داشتند و آن‌قدر این لطف زیاد بود که برخی مواقع شرمنده می‌شوم. من خودم احساس می‌کنم کار خاصی انجام نداده‌ام.

از مسئولان شهرستان کسی به دیدن شما نیامد؟

نه هیچ‌کس و فقط مردم عادی به من لطف داشتند اما از هیچ‌کس انتظاری ندارم.

پس از دستگیری سارقان با آنها رودررو هم شدید؟

بله. آنها طلب بخشش کردند گفتم شما به قصد کشت مرا می‌زدید. چرا باید ببخشم. اصلا بخشش حق من نیست. آن کسی که تو را بخشیده، در حق من ظلم کرد و باعث شد حالا آزادانه بیایی و مرا با چاقو بزنی. اگر من رضایت بدهم، این اتفاق برای فرد دیگری رخ خواهد داد و این بار من در حق او ظلم کرده‌ام.

دوربین مداربسته راز قتل پیرمرد را فاش کرد

فیلم دوربین مداربسته مرکز نگهداری از سالمندان راز مرگ یکی از آنها را که با پرستار درگیر شده و با ضربه مشت او به قتل رسیده بود را فاش کرد.

به گزارش خبرنگار جام جم، روزهای پایانی هفته گذشته زنی با حضور در پلیس آگاهی تهران گفت به مرگ پدرسالخورده‌اش در یک مرکز نگهداری از سالمندان در شرق تهران مشکوک است و از مسئولان آنجا شکایت دارد.

وی در تشریح ماجرا گفت: پدر سالخورده‌ام خیلی بد حال بود و به سختی می‌توانستیم از او در خانه نگهداری کنیم. بنابراین پس از مشورت با پزشک معالجش، او را در یک مرکز نگهداری از سالمندان بستری کردیم تا تحت مراقبت بیشتری قرار گیرد. برای رسیدگی به وضعیت پدرم با این مرکز در ارتباط بودیم و حتی به دیدنش هم می‌رفتیم.

شاکی ادامه داد: در یکی از روزهای مهر امسال به ما زنگ زدند که پدرم در مرکز بدحال شده و در بیمارستان بستری است. به بیمارستان رفتیم و پیگیر وضعیت او بودیم تا این‌که چند روز بعد فوت کرد. مسئولان آن مرکز که زیر نظر بهزیستی اداره می‌شد به ما گفتند هیچ اتفاقی برای پدرمان رخ نداده و فقط او را در اتاقش بدحال یافتند و به بیمارستان منتقل کردند. ابتدا گمان بردیم که مرگ او به‌طور طبیعی رخ داده است. چون آن روز با پدرم حرف زده بودم و حالش خوب بود، به مرگش مشکوک شدم و از پزشکی قانونی هم خواستم درباره علت مرگ پدرمان اعلام‌نظر کند. بعد از آن جسد را تحویل گرفتیم و به خاک سپردیم. این در حالی بود که چند روز پیش نتیجه پزشکی قانونی درباره مرگ پدرمان را دریافت کردیم و معلوم شد او بر اثر اصابت ضربه‌ای سخت به سر و عوارض ناشی از آن فوت کرده است. با اطلاع از این ماجرا، موضوع را به مسئولان مرکز نگهدای از سالمندان اعلام کردیم اما توجهی نکردند و در شعبه سوم بازپرسی دادسرای جنایی تهران شکایت کردیم و اکنون هم خواستار بررسی قتل پدرم هستیم.

با جمع‌بندی این اطلاعات، مأموران از طریق هماهنگی با بهزیستی توانستند وارد مرکز محل حادثه شده و به فیلم دوربین‌های مداربسته آنجا دسترسی پیدا کنند. آنها پس از بررسی‌های لازم متوجه شدند، قبل از این‌که مرد سالخورده بدحال و به بیمارستان منتقل شود یکی از پرستاران مرد با پیرمرد درگیر شده و با مشت ضربه‌ای به سرش وارد کرده بود و سپس او را به اتاقش برده بود. ساعاتی بعد نیز حال پیرمرد وخیم شد.

با دستور قضایی مرد پرستار بازداشت شد و در تشریح ماجرا گفت: آن روز پیرمرد به سمت اتاقش نمی‌رفت و همین باعث عصبانیت من شد و با هم مشاجره کردیم. به زور می‌خواستم او را از آن محل دور کنم که نشد. در ادامه درگیری مشتی به سمت او پرتاب کردم و هولش دادم تا به اتاقش برود. بعد دعوا پایان گرفت و او به اتاقش رفت. ضربه من آن‌قدر سنگین نبود که باعث مصدومیت و مرگ این مرد شود. ساعاتی بعد، وقتی پرستاران برای سرکشی به اتاق او رفتند، فهمیدند بدحال شده که مسئولان مرکز را خبر کردند و او به بیمارستان انتقال یافت و بعد هم فوت کرد.

با دستور سالار صنعتگر، بازپرس شعبه سوم دادسرای جنایی تهران برای متهم پرونده قرار قانونی صادر و تحقیقات تکمیلی از او در اداره دهم پلیس آگاهی تهران ادامه دارد.

شکنجه‌های سیاه باند وحشت برای اخاذی



سه عضو یک باند اتباع افغان که برای اخاذی هموطنان خود را به بهانه مهاجرت یاکار می‌ربودند و آنها را در کارگاهی زندانی و شکنجه می‌دادند، بازداشت شدند. آنها حتی گوش یکی از گروگان‌ها را بریده و تصویر آن را برای خانواده‌اش ارسال کرده بودند.

به گزارش خبرنگار جام جم، چند روز قبل مردی تبعه افغان با حضور در شعبه نهم بازپرسی دادسرای جنایی تهران شکایت کرد که یکی از اقوامش به طور مشکوکی ناپدید شده است. با دستور بازپرس عظیم سهرابی، پرونده به اداره یازدهم پلیس آگاهی تهران ارسال و تحقیق از شاکی آغاز شد. وی در تشریح شکایتش گفت: شهیر برادری دارد که در آلمان زندگی می‌کند. او هم می‌خواست برای مهاجرت به آنجا سفر کند اما موفق نشد. در ادامه با یکی از هموطنان ما آشنا شد که مدعی بود می‌تواند مشکلش را حل کند. آخرین بار که برای دیدار با این مرد بیرون رفت دیگر بازنگشت.

تحقیقات پلیسی به سرپرستی سرهنگ محرابی، رئیس اداره یازدهم پلیس آگاهی تهران آغاز شد. چند روز بعد شاکی دوباره به اداره پلیس آمد و این بار گفت: افرادی از طریق شبکه‌های اجتماعی با خانواده مرد جوان تماس گرفته و اعلام کرده‌اند او را ربوده‌اند و در برابر آزادی‌اش ۴۰ هزاردلار می‌خواهند که این پول ازطریق یک صرافی در ترکیه در قالب دلار یا رمزارز برای‌شان واریز شود. در غیر این صورت گروگان زنده نمی‌ماند. بعد از التماس خانواده گروگان، مبلغ را به ۲۰ هزاردلار کاهش داده و در ادامه تصویر بدن گروگان را که زخمی و سوزانده بودند ارسال کرده‌اند. آنها برای وحشت خانواده گروگان بخشی از گوش او را بریده بودند.

در ادامه سه مرد جوان به فاصله چند روز از یکدیگر به اداره پلیس آگاهی تهران آمدند و اعلام کردند گروگان بودند و بعد از یک تا دو هفته اسارت، با دریافت پول از خانواده‌شان آزاد شدند. معلوم شد آنها عضو یک گروه تلگرامی بودند و به بهانه یافتن کار بهتر و مهاجرت از شهرهای اطراف تهران به پایتخت آمدند و در دام آدم‌رباها گرفتار شدند. آدم‌ربایان برای آزادی آنها از ۱۰۰ هزار تا ۴۰۰ هزار دلار اخاذی کرده بودند.

سرانجام روزهای پایانی هفته گذشته مخفیگاه اعضای این باند مخوف در کارگاهی اجاره‌ای در محله خاوران شناسایی شد. همزمان با حضور ماموران در آنجا سه مرد افغان بازداشت شدند. در ادامه قفل انباری شکسته شد و گروگان نجات یافته به بیمارستان منتقل شد.

متهمان به اداره پلیس منتقل شدند یکی از آنها در تشریح ماجرا گفت: چند سال پیش به اتهام آدم‌ربایی و اخاذی از هموطنانم بازداشت و مدتی در زندان بودم. بعد از آزادی این باند را تشکیل دادم و به بهانه مهاجرت و کار آنها را به دام می‌انداختم که به تهران می‌کشاندیم و زندانی می‌کردیم. به شدت آنها را زخمی می‌کردیم، شکنجه می‌دادیم و بدن‌های‌شان را می‌سوزاندیم. گاهی برای تهدید بیشتر بخشی از گوش آنها را با چاقو می‌بریدیم و سپس تصاویر هولناک شکنجه‌ها را برای خانواده‌هایشان ارسال می‌کردیم تا راحت‌تر اخاذی کنیم. در این مدت از خانواده قربانیان رمز ارز و دلار اخاذی کردیم.

سرهنگ مرتضی نثاری، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ با تایید این خبر به جام جم گفت: متهمان تاکنون به شش فقره آدم‌ربایی خشن اعتراف کردند. آنها در بازداشت به سر می‌برند و تحقیقات برای رازگشایی از دیگر ابعاد این پرونده ادامه دارد.

محاکمه شکارچی راننده‌های اسنپ به اتهام قتل



پرونده مردی که با تعارف آبمیوه وقهوه مسموم، رانندگان ومسافران را بیهوش می‌کرد واموال‌شان را به سرقت می‌برد، بایک جنایت هولناک وارد مرحله تازه‌ای شد. متهم که در جریان یکی از سرقت‌هایش باعث مرگ راننده اسنپ شده بود، پس از دستگیری به ۱۷ فقره سرقت مقرون به آزار و یک فقره قتل اعتراف کرد. او قرار است به‌زودی در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شود.

به گزارش خبرنگار جام جم، رسیدگی به این پرونده از اواخر سال ۱۴۰۲ و با گزارش کشف جسد مردی در یکی از خیابان‌های شهر ملارد در استان تهران آغاز شد. بررسی‌های اولیه نشان می‌داد این مرد در شرایطی نامساعد و در حالی‌که هوشیاری نداشته، کنار خیابان پیدا شده است. عابران پس از مشاهده وضعیت او موضوع را به اورژانس اطلاع داده بودند و امدادگران نیز بلافاصله وی را به بیمارستان انتقال دادند اما تلاش پزشکان برای نجات جان او نتیجه‌ای نداشت و مرد به‌دلیل شدت مسمومیت جان باخت.

در حالی‌که تحقیقات برای شناسایی هویت متوفی و علت وقوع حادثه ادامه داشت، خانواده‌ای با مراجعه به پلیس از ناپدید شدن یکی از اعضای خود خبر دادند. بررسی مشخصات و اطلاعات ارائه‌شده از سوی خانواده نشان داد جسد کشف‌شده متعلق به همان مرد است. در ادامه مشخص شد مقتول راننده تاکسی اینترنتی اسنپ بوده و در زمان وقوع حادثه، تلفن همراه و خودروی او نیز ناپدید شده است.

این اطلاعات مسیر تحقیقات را تغییر داد. با توجه به سرقت اموال مقتول و شرایطی که او در آن پیدا شده بود، احتمال وقوع جنایت با انگیزه سرقت قوت گرفت. کارآگاهان این فرضیه را مطرح کردند که فردی با درخواست خودرو از طریق تاکسی اینترنتی، به‌عنوان مسافر سوار ماشین شده و در فرصتی مناسب نقشه سرقت خود را اجرا کرده است. شناسایی آخرین مسافر خودرو در دستور کار کارآگاهان قرار گرفت. بررسی اطلاعات سفرهای ثبت‌شده نشان داد آخرین فردی که پیش از حادثه سوار خودروی مقتول شده، مردی به نام اشکان است. تحقیقات درباره پیشینه این فرد نشان داد او از سارقان سابقه‌دار است و همین موضوع ظن پلیس را نسبت به نقش داشتن وی در این ماجرا افزایش داد. کارآگاهان در ادامه تلاش برای شناسایی مخفیگاه اشکان و دستگیری او بودند که سرنخی تازه در جریان بررسی‌های فنی به‌دست آمد. مأموران متوجه شدند تلفن همراه مقتول پس از سرقت دوباره روشن شده و فردی درحال استفاده از آن است. بررسی‌های بیشتر نشان داد اشکان با سیمکارت خود از گوشی مقتول استفاده می‌کند. به این ترتیب، فرضیه دست داشتن او در سرقت و مرگ راننده اسنپ قوت بیشتری گرفت.

کارآگاهان با کنار هم قرار دادن اطلاعات به‌دست‌آمده، مخفیگاه متهم را شناسایی کردند و در عملیاتی او را به دام انداختند. اشکان در نخستین مراحل بازجویی، هرگونه دخالت در سرقت و مرگ راننده را انکار کرد اما در ادامه تحقیقات و با مواجه شدن با شواهد موجود، به ارتکاب جنایت اعتراف کرد.

متهم در تشریح ماجرای قتل گفت: روز حادثه تصمیم گرفته بودم خودرویی را سرقت کنم. برای همین از طریق اسنپ درخواست ماشین دادم. وقتی سوار خودرو شدم، در طول مسیر با راننده صحبت کردم و برای اجرای نقشه‌ام به او آبمیوه‌ای تعارف کردم که داخل آن داروی بیهوشی ریخته بودم. راننده هم آبمیوه را خورد و چند دقیقه بعد بیهوش شد. وقتی مطمئن شدم دیگر هوشیاری ندارد، او را در محلی خلوت رها کردم و خودرو و تلفن همراهش را سرقت کردم و از محل دور شدم. قصد کشتن او را نداشتم و تصور می‌کردم فقط بیهوش شده است.

باوجود این اعتراف، تحقیقات پلیس درباره ابعاد اقدامات دیگر متهم همچنان ادامه یافت. در جریان بررسی‌های تکمیلی، کارآگاهان با شکایت‌های دیگری روبه‌رو شدند که از شباهت قابل‌توجهی با سرقت منتهی به قتل حکایت داشت. در این پرونده‌ها نیز افرادی از سوی مردی که با آبمیوه یا قهوه مسموم، آنها را بیهوش کرده بود، مورد سرقت قرار گرفته بودند.

پس از احضار شاکیان و انجام مواجهه حضوری، تعدادی از آنها اشکان را به‌عنوان فردی که اموال‌شان را به سرقت برده بود، شناسایی کردند. به این ترتیب مشخص شد ماجرای راننده اسنپ تنها پرونده‌ای نیست که این متهم در آن از داروی بیهوشی برای سرقت استفاده کرده است.

پس از شناسایی شاکیان جدید، اشکان بار دیگر تحت بازجویی قرار گرفت. این بار او در برابر مستندات و شناسایی‌های انجام‌شده از سوی مالباختگان، به سرقت‌های دیگر نیز اعتراف کرد و درباره شیوه کارش گفت: ابتدا در پوشش مسافر سوار خودرو می‌شدم و با تعارف آبمیوه مسموم، رانندگان را بیهوش می‌کردم. بعد از سرقت خودرو و اموال‌شان، با همین شیوه سراغ مسافران هم می‌رفتم و از آنها سرقت می‌کردم.

با تکمیل تحقیقات پلیسی و قضایی، پرونده به دادسرا ارسال شد. در نهایت با توجه به اعترافات متهم، شکایت مالباختگان و سایر مستندات پرونده، برای اشکان به اتهام ۱۷ فقره سرقت مقرون به آزار با استفاده از داروی بیهوشی و یک فقره قتل، کیفرخواست صادر شد. پرونده پس از صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شده و قرار است متهم به‌زودی در شعبه دهم این دادگاه پای میز محاکمه قرار بگیرد تا به اتهامات مطرح‌شده علیه او رسیدگی شود.

کوتاه از حوادث

مرد میانسال، زن همسایه را کشت

مردی که زن همسایه را در پی اختلافات به قتل رسانده بود، بازداشت شد.

به گزارش روابط عمومی دادگستری استان مازندران، عباس پوریانی، رئیس کل دادگستری مازندران در این باره گفت: حسب گزارش فرماندهی انتظامی قائمشهر، با تماس شهروندان با سامانه فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر کشف جسد زنی ۴۰ ساله در داخل یک خودرو در پارکینگ خانه متوفی، با صدور دستور از سوی دادستان شهرستان قائمشهر، بازپرس ویژه قتل با همراهی ماموران در محل حاضر و در تحقیقات مقدماتی هویت او احراز شد.

وی افزود: در تحقیقات میدانی، بازپرس پرونده به یکی از افراد حاضر در محل کشف جسد مشکوک شده و پس از دلالت وی به پلیس آگاهی و انجام تحقیقات جامع، این مرد ۵۱ ساله، متأهل و بازنشسته یکی از ادارات دولتی به قتل اعتراف کرد.

او در اظهاراتش گفت که در روز حادثه، در مرغداری خود در یکی از روستاهای شهرستان بامقتول درگیر و با انگیزه شخصی او را خفه کرده است. متهم سپس جسد را در داخل خودروی مقتول قرار داده و به پارکینگ خانه متوفی منتقل کرده است.

قتل پس از مشاجره در فضای مجازی

مرد جوان که با سلاح شکاری مردی ۴۲ ساله را در روستای سطوه کشته و بعد از جنایت در چاه متروکه پنهان شده بود، بازداشت شد.

سرهنگ علیرضا شائینی، فرمانده انتظامی شاهرود به سایت پلیس گفت: در پی وقوع یک فقره قتل با سلاح شکاری در روستای سطوه، ماموران پاسگاه انتظامی در محل حادثه حاضر شدند و بررسی‌های اولیه را آغاز کردند. همزمان با ادامه تحقیقات مشخص شد جوانی ۲۲ ساله با استفاده از سلاح شکاری، مردی ۴۲ ساله را به قتل رسانده است.

وی افزود: در ادامه تحقیقات پلیس با استفاده از سرنخ‌های به‌دست‌آمده موفق شد قاتل را کمتر از هفت ساعت پس از وقوع قتل، در داخل یک چاه متروکه در حوالی همان روستا شناسایی و دستگیر کند. متهم ۲۲ ساله، انگیزه خود از ارتکاب قتل را مشاجره و درگیری لفظی با مقتول در فضای مجازی عنوان کرد. متهم در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات از او ادامه دارد.

۳ کشته در تیراندازی مرگبار

افراد مسلح ناشناس در محور لخشک زاهدان به مردم تیراندازی کردند و باعث مرگ سه نفر شدند.

به گزارش مرکز اطلاع‌رسانی فرماندهی انتظامی سیستان و بلوچستان، افراد مسلح ناشناسی در محور لخشک زاهدان به افرادی که در آنجا بودند تیراندازی کردند و متواری شدند. در این حادثه سه نفر زخمی و به بیمارستان منتقل شدند که با وجود تلاش پزشکان فوت کردند. پرونده‌ای در این رابطه تشکیل و تحقیقات پلیسی برای دستگیری عاملان این جنایت و رازگشایی از انگیزه‌شان ادامه دارد.

تصادف زنجیره‌ای با ۱۴ کشته در امارات



وزارت کشور امارات عربی متحده اعلام کرد که بر اثر وقوع یک تصادف رانندگی زنجیره‌ای در امارت فجیره، ۱۴ نفر جان باختند و ۳۰ نفر دیگر زخمی شدند.

به گزارش العربیه، براساس اطلاعات اولیه منتشر شده از سوی وزارت کشور امارات، این حادثه بر اثر برخورد ۱۸ خودرو و پنج کامیون رخ داده است. این وزارتخانه تاکید کرد که تیم‌های تخصصی با همکاری نهادهای مربوطه همچنان در محل حادثه حضور دارند و اقدامات میدانی برای بررسی ابعاد سانحه و مشخص شدن جزئیات و علت وقوع آن ادامه دارد. نهادهای مسئول نیز در حال انجام اقدامات لازم برای مدیریت پیامدهای حادثه، ارائه خدمات درمانی به مجروحان و پیگیری وضعیت جسمانی آنها هستند.

تاکنون ۱۴ نفر در این حادثه جان باختند و ۳۰ نفر هم مصدوم و در بیمارستان بستری شدند.